

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۲) یازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها **نکات مشاوره‌ای** نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس‌خواندن قبل از امتحان و پاسخ‌گویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم **نکات مشاوره‌ای** دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند. در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۲) انسانی نیاز دارید، تنها در ۱۴ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!
یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤالات درس‌های ۱ تا ۴ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



فهرست

بازمبندی درس عربی، زبان قرآن (۲) انسانی

نوبت اول	نوبت دوم	مهارت‌های زبانی
نمره ۲	نمره ۲	مهارت واژه‌شناسی
نمره ۷	نمره ۷	مهارت ترجمه به فارسی
نمره ۷/۵	نمره ۷/۵	مهارت شناخت و کاربرد قواعد
نمره ۳	نمره ۳	مهارت درک و فهم
نمره ۰/۵	نمره ۰/۵	مهارت مکالمه
نمره ۲۰	نمره ۲۰	جمع

نوبت	صفحه آزمون	صفحه پاسخ‌نامه
اول	۳	۳۶
اول	۶	۳۷
اول	۹	۳۸
اول	۱۲	۳۸
دوم	۱۵	۳۹
دوم	۱۸	۴۰
دوم	۲۱	۴۱
دوم	۲۴	۴۲
دوم	۲۷	۴۳
دوم	۲۹	۴۴
دوم	۳۱	۴۴
دوم	۳۴	۴۵

ردیف	آزمون شماره ۱	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
نمره	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com
	درس اول		
۱	۰/۲۵ برای حل این سؤال، علاوه بر دوستانِ عمرها در عربی، ریاضیتونم باید فوب باشه!		۱ اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عِدَّةً مَنَاسِبًا. سَبْعَةَ عَشَرَ زَائِدًا ثَلَاثَةَ عَشَرَ يُسَاوِي
۲	۱ اسم تفضیل وزن به مقصودی داره! گاهی هم کمی تغییر قیافه می‌ده!		۲ عَيِّنْ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبْرَةِ ثُمَّ تَرَجِّمِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فَقَطْ. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.
۳	۱ این سؤال معمولاً از متن درس‌ها طرح می‌شه! لطفاً به متن درس‌ها عنایت ویژه‌ای داشته باشید!		۳ ترجم الجملة إلى الفارسية المألوفة. هذا نموذجٌ تَرْبَوِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ.
۴	۰/۲۵ یک کلمه معمولاً قبلی پرته!	صوم <input type="checkbox"/> حَجَّ <input type="checkbox"/>	۴ عَيِّنْ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. فَنَ <input type="checkbox"/> صَلَاةَ <input type="checkbox"/>
۵	۰/۵ جدول جمع مکسر درس‌نامه‌ها می‌تونه برای این سؤال خیلی کمکتون کنه!	(ب) نُهَاءٌ:	۵ اُكْتُبْ مَفْرَدًا أَوْ جَمْعًا الْكَلِمَتَيْنِ. الْف (تمودج):
۶	۰/۵ اسم مکان هندتا وزن داره. یکیش قبلی بیشتر استغاده می‌شه!		۶ عَيِّنْ اسْمَ الْمَكَانِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ ثُمَّ تَرَجِّمِهِ. مَنْزِلٌ جَدَّتِي قَرِيبٌ مِنْ شَارِعِ «مَطْهَرِي».
۷	۰/۲۵ دنبال شاه‌کلیدها باشید توی این سؤال؛ منظورم شاه‌کلیدهای ترجمه است!		۷ إِنْتِخَبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ. إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ. (۱) بی‌گمان زشت‌ترین صداها، صدای خران است. (۲) بی‌شک صدای خران، بسیار زشت است.
۸	۱ این سؤال مربوط می‌شه به کتاب سال دهم! باید کتاب سال پیشتون رو فوب بلد باشید!		۸ أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. عَدَاوَةٌ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
۹	۱/۵ نوع و زمان فعل رو باید تشخیص بدین تا در عملیات ترجمه موفق باشید!		۹ ترجم الكلمات التي تحتها خطٌّ. الْف (ف) لَا تَقْتَرِبُوا مِنَ الشَّارِعِ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى الْيَمِينِ وَالْيَسَارِ. ب) إِنَّكَ تَرْتَدُّ إِحْدَى الرَّجَاجَاتِ فِي الْمُحْتَبَرِ. ج) مَا سَافَرْنَا حَتَّى الْآنَ إِلَى كَرْبَلَاءِ الْمُقَدَّسَةِ. د) تَعَلَّمْ حُسْنَ الْخُلُقِ مِنَ النَّبِيِّ ﷺ. ه) قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ. و) سَوْفَ يُعَلِّمُ الْمَدْرَسُ التَّلَامِيذَ قَوَاعِدَ هَذَا الدَّرْسِ.
	درس دوم		
۱۰	۲ متن درس‌ها رو برای این سؤال فوب بفونین!		۱۰ ترجم الجملتين إلى الفارسية المألوفة. الْف (ف) وَجَدْتُ رَائِحَةَ الْوُدِّ إِنْ شَمَمْتُ رُفَاتِي. ب) مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ.
۱۱	۱ اسم مبالغه که وزن مقصودی داره. اسم فاعل و مفعول هم در تلاثی مؤنث و مزید به شکل‌های مختلفی ساخته می‌شن!		۱۱ عَيِّنْ اسْمَ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمَ الْمَفْعُولِ أَوْ اسْمَ الْمَبَالِغَةِ. الْف (ف) إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَارَةٌ بِالسُّوءِ. ب) هَذِهِ مِنَ الطَّائِرَاتِ الْحَرْبِيَّةِ الْمُتَهَاجِمَةِ.

نمره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
آزمون شماره ۱				
نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم				
۱۲	۰/۵	بدول مترادف و متضاد درس نامه‌ها می‌تونه توی حل این سوال خیلی بهتون کمک کنه!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
اُكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمة واحدة زائدة)				
فَلَاة - رَكْب - قُرْب - صُخْرَاء - بُعْد				
الف) =				
ب) ≠				
درس سوم				
۱۳	۰/۲۵	یه کلمه معمولاً خیلی پرته!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
عیّن الكلمة الغريبة في المعنى.				
<input type="checkbox"/> طَنَان <input type="checkbox"/> زَفْرَاق <input type="checkbox"/> رِمَال <input type="checkbox"/> نَقَار الحَشَب				
۱۴	۰/۵	واژه ناعه‌های هر درس، فوراًک خوبی برای طرح این سوالن!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
ترجم الكلمات التي تحتها خطٌ.				
لِلسَّنَجَابِ الطَّائِرِ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ.				
۱۵	۱	فُتِب! باید بگم که متن تمرین‌ها هم کانیدا هستن برای طرح این سوال!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة.				
يُعَدُّ الحوْتُ الأزرَقُ أَكْبَرَ الكائناتِ الحَيَّةِ.				
۱۶	۰/۲۵	شاه کلیدای ترجمه!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
انتخب الترجمة الصحيحة.				
يَبْدَأُ بِتَقْرِيقِ بقايا الطَّعامِ مِنْ فِيهِ.				
(۱) بقیه‌های غذاها را از دهانش می‌خورد.				
(۲) شروع به نوک‌زدن باقی مانده‌های غذا از دهانش می‌کند.				
۱۷	۰/۲۵	مکالمه درس‌ها اولین و آخرین منبع برای طرح این سوالن!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
رَتَّبِ الكلمات و اكتب جملة كاملة تامة.				
«هدفاً - مَنْ - إِلَى - يَذْهَبُ - التَّهَاتِي - يُسَجِّلُ»				
۱۸	۱	فعل شرط که از ادوات شرط جدا نی شه! جواب شرط کنی هلو تر میاد!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
عیّن فعل الشرط في الجملة الأولى و جواب الشرط في الجملة الثانية ثمّ ترجم الجملتين.				
الف) ما تَزْرَعُوا في الدُّنْيَا تَحْضُدُوا في الآخِرَةِ.				
ب) مَنْ زَرَعَ العُدْوَانَ حَصَدَ الحُسْرَانَ.				
۱۹	۰/۲۵		رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
أجب عن السؤال التالي.				
مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟				
۲۰	۰/۷۵	با توجه به نشانه‌های جمله، باید گزینه مناسب رو انتخاب کنین!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
عیّن الفعل المناسب للفراغ.				
الف) یا بتناثِ رَجَاءٍ في الصَّفِّ. لا تَتَكَلَّمَنَّ لا تَتَكَلَّمُوا				
ب) الأَطْفَالُ في سَاحَةِ البَيْتِ. تَلْعَبُونَ يَلْعَبَانِ				
ج) یا أحمدُ، ألا ي أمام المَشْجَرِ؟ تُشَاهِدُ تُشَاهِدَانِ				
۲۱	۰/۷۵	متن درس‌ها، تمرین‌ها، اینا منبع این نوع سوالن!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
املاً فراغات الترجمة الفارسيّة.				
يَسْتَطِيعُ أَنْ يَطِيرَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةٍ وَ خَمْسِينَ قَدَمًا فِي قَفْزَةٍ وَاحِدَةٍ.				
می‌تواند در یک ، بیشتر از قدم				
درس چهارم				
۲۲	۰/۵		رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
ترجم هذه العبارة حسب قواعد المعرفة و النكرة ثمّ عین المعرفة.				
شاهدتُ عِطْرًا حَسَنَ الشَّمِّ في السُّوقِ فَاشْتَرَيْتُ العِطْرَ.				
۲۳	۱	کتابای همدید خیلی متن مصورشن! پس متن درس‌ها برای امتحان هم خیلی مهمن!	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)
ترجم الجملة إلى الفارسيّة المألوفة.				
لا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لَعْنَهُ بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ.				

نمبره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۲)	
ردیف	آزمون شماره ۱			نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	
۲۴	۰/۷۵ بارها گفته ام و بار دیگر می گویم! متن درس!	<p>إملاً فراغات الترجمة الفارسية. للفيروزآبادي مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القاموسِ يَصْمُ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ. فيروزآبادي مشهوری به نام القاموس که واژگان بسیاری را به زبان عربی</p>			
۲۵	۱/۵ این سوال بیشتر به معنی و مفهوم جمله ها بستگی دارد و این که دایره واژگانتون چه قدر گسترده باشه!	<p>تَرْكِيْبِي</p> <p>عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْفِرَاقِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)</p> <p>تَسْبِيحٌ - أَفْضَلٌ - فُرْقَانًا - تَعَادَلًا - عَدْوًا - عَمُودٌ - أَوْسَطٌ - صَدُوقًا</p> <p>الف) إِنَّ الدِّينَ الصَّلَاةَ. ب) خَيْرَ الْأُمُورِ هَا. ج) لَا تَتَّخِذْ وَاجِدًا وَ الْوَاجِدَ كَثِيرًا. د) هَذَا الْعَضْوُ بَيْنَ جُمُوعَةِ نَقَارِ الْحَشَبِ وَ مِثْقَالِهِ. ه) هَذَا الْفَرِيقَانِ قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ. و) ﴿إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ﴾</p>	۲۵		
۲۶	۱/۵	<p>عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.</p> <p>الف) جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ. ب) الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ. ج) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. د) الْمَشَجَرُ مَكَانٌ هَادِيٌّ لِلْمَطَالَعَةِ. ه) يُصْنَعُ الْخُبْزُ مِنَ الْعَجِينِ. و) الْجَنَاحُ عَضْوٌ يَطِيرُ بِهِ الطَّائِرُ.</p>			۲۶
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید			

ردیف	عربی زبان قرآن (۲)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	آزمون شماره ۱				
	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم				
۱	الف) مهارت واژه‌شناسی ترجم کلمات التي تحتها خط. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ﴾				۰/۵
۲	صَحِّحِ الْمُرَادِفَ وَ الْمُتَضَادَّ فِي الْمَكَانِ الْمُنَاسِبِ. (ثلاث كلمات زائدة) الْعِدَاوَةُ - الْأَحْيَاءُ - الشُّمَالُ - الْإِبْتِغَاءُ - الْأَعْلَى				۰/۵
۳	الف) أَلْيَسَارُ = ب) الْأَسْفَلُ ≠				۰/۵
۴	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين. الف) أصحاب: ب) مَعْصِيَةٌ:				۰/۵
۵	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى. الف) لِسَانٌ صَوْمٌ وَجْهٌ عَيْنٌ ب) نَطَقٌ حَكِي كَبْرٌ حَدَّثَ				۰/۵
۵	ب) مهارت ترجمه به فارسی ترجم هذه الجملة إلى الفارسية المألوفة. الف) ﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ ب) يُحْكِي أَنْ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْعُيُوبِ، فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا. ج) أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ. د) الْأُسْتَاذُ أَدْرَ يَزْدِي فِي السَّنَةِ الْعَشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلًا بَسِيطًا، ثُمَّ صَارَ بَائِعَ الْكُتُبِ، وَ لَمْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي حَيَاتِهِ. هـ) إِزْحَمُوا عَزِيزًا ذَلًّا، وَ غَنِيًّا أَفْتَقَرًا، وَ عَالِمًا ضَاعَ بَيْنَ جُهَالٍ.				۵
۶	انتخب الترجمة الصحيحة. الف) ﴿يَقُولُونَ يَا فَوَاهِشِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ ۱) با دهانشان آن چه را در قلب هایشان نیست می گویند و خدا به دروغی که بر زبان می رانند آگاه است. ۲) با دهان هایشان آن چه را در دل هایشان نیست می گویند و خدا به آن چه پنهان می کنند دانایتر است. ب) ﴿وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ﴾ ۱) و خاندانش را به نماز و زکات فرمان داده بود. ۲) و خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.				۰/۵
۷	املاً فراغات الترجمة الفارسية. الف) مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ، فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. هر کس بخواهد مردم باشد، پس بر خداوند ب) ﴿يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاؤُهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ روزی که آدمی آن چه را که با دستانش پیش فرستاده است می نگرد و کافر می گوید: ج) إِنَّ أَبِي كَانَ سَيِّدَ قَوْمِهِ، يَفُكُّ الْأَسِيرَ وَ يَحْفَظُ الْجَارَ. پدرم سرور مردمش بود، اسیر را و را حفظ می کرد.				۱/۵
۸	ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد ترجم الأفعال التي تحتها خط. الف) لِمَ لَا تَخْرُجُونَ مِنْ بَيْتِكُمْ؟ ج) إِنَّهُمْ مَا رَجَعُوا مِنَ الْعَمَلِ.				۱
۹	عَيِّنِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ. الف) أَنْتُمْ سَتَنْتَفِعُونَ بِهَذَا الْعَمَلِ. ب) يَا صَدِيقِي، رَجَاءً، اسْمَعْ كَلَامِي.				۰/۵

ردیف	عربی زبان قرآن (۲)	رشته: ادبیات و علوم انسانی	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	نمره
	آزمون شماره ۹				
	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم				
۱۰	عین نوع الأسماء: اسم الفاعل، أو اسم المفعول، أو اسم المبالغة، أو اسم المكان، أو اسم التفضيل. الف) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ ب) يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. ج) إِنَّ مَكْتَبَةَ جُنْدِي سَابُور فِي خُوزِسْتَان. د) لِي صَدِيقٌ صَبَّارٌ جِدًّا.				۱
۱۱	عین جواب الشرط، ثم عین الترجمة الصحيحة. مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى أَهْدَافِهِ. ۱) هر کس بسیار تلاش کند به هدفهایش می رسد. ۲) کسی که بسیار سعی می کند به هدفهایش خواهد رسید.				۰/۵
۱۲	املاً الفراغ في الترجمة حسب القواعد التي قرأتها. إِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ. امروز کتابی را که قبلاً آن را				۰/۵
۱۳	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ ب) ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾				۱
۱۴	ترجم هاتین الآيتين حسب القواعد التي قرأتها. الف) ﴿عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ب) ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾				۱
۱۵	ترجم هاتین الجملتين حسب القواعد التي قرأتها في معاني الأفعال الناقصة. الف) كَانَ سَعِيدٌ سَاعَدَ صَدِيقَهُ. ب) كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.				۱
۱۶	أعرّب الكلمات التي تحتها خطٌ. (المحلّ الإعرابي و علامة الإعراب) يَكْتُبُ الْمُدْرَسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوحِ.				۱
۱۷	د) مهارت درک و فهم ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. (كلماتان زائدتان) السَّرِير - مِثَاث - جَوْحٌ - الْمِظْلَّة - الْخَائِب - الدَّوَاب - ظِلَامٌ - حَضْرَةٌ				۱/۵
۱۸	الف) في اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ الْكَلِمَاتِ الْمَعْرَبَةِ ذَاتِ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ. ب) اسْتَفِيدُ مِنْ أَمَامَ أَشِعَّةِ الشَّمْسِ أَوْ نُزُولِ الْمَطَرِ أَوْ التَّلَجِ. ج) إِنَّ الرُّكْبَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمَسَافِرِينَ يُسَافِرُونَ عَلَى د) الشَّرْشَفُ قِطْعَةٌ قُمَاشٍ تَوْضَعُ عَلَى هـ) عُصُونُ الْأَشْجَارِ فِي الشِّتَاءِ بَدِيعَةٌ و) الْعُغْدَاءُ بِدَايَةِ النَّهَارِ وَ نِهَائِهِ اللَّيْلِ.				۱/۵
۱۹	عین الصحيح و الخطأ حسب الحقيقة. الف) الطَّبَاشِيرُ مَادَّةٌ بَيْضَاءٌ أَوْ مَلَوْنَةٌ يَكْتُبُ بِهَا عَلَى السَّبُورَةِ وَ مِثْلِهَا. ب) الْأَبْكَمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتَكَلَّمَ وَ مُؤَنَّثُهُ «بِكْمَاءٌ». ج) الْأَصْمُ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرَى وَ مُؤَنَّثُهُ «صَمَاءٌ». د) يَلْعَبُ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْمِنْصَدَةِ أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا. هـ) إِرْتِفَاعُ حَرَارَةِ الْجِسْمِ مِنْ عَلَائِمِ الْمَرَضِ. و) أوروبًا أَكْبَرُ قَارَةَ فِي الْعَالَمِ.				۰/۲۵
۲۰	هـ) مهارت مکالمه أجب عن السؤال التالي. بِمَ تُسَافِرُ فِي الْبَحْرِ؟ رتب الكلمات و اكتب سؤالاً و جواباً صحيحاً. «يَأْلَمُ - صَدْرِي - فِي - بِكَ - أَشْعُرُ - مَا - ؟ -»				۰/۲۵
۲۰	موفق باشيد	جمع نمرات			

پاسخ‌نامه تشریحی

ازمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- ثلاثین / هفده به اضافه سیزده مساوی است با سی.

۲- «أَحَبُّ» و «أَنْفَعُ» اسم تفضیل و هر دو بر وزن «أَفْعَلُ» اند. فقط «أَحَبُّ» کمی تغییر قیافه داده است.

تجربیات «محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگان است.»
۳- این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با آن هدایت شوند.

۴- هنر نماز روزه حج
به جز «فَنِّ» بقیه کلمات، فریضه دینی اند.

۵- الف) تَمَوَّجٌ تَمَاجِجٌ تَمَاجِجٌ تَمَاجِجٌ (نمونه‌ها)

ب) نُهَاةٌ نَاهِيَةٌ نَاهِيَةٌ نَاهِيَةٌ (بازدارنده)

۶- «مَنْزِلٌ» بر وزن «مَفْعَلٌ» اسم مکان است.

تجربیات «خانه مادر بزرگم به خیابان مطهری نزدیک است.»

۷- گزینه «۱» «أَنْكُرُ» اسم تفضیل است و باید به صورت صفت عالی ترجمه شود؛ یعنی «ترتیب».

ضمناً «الأصوات» در گزینه (۲) ناپدید شده!

۸- حُبٌّ «عَدَاوَةٌ» اسم مرفوعی است که ابتدای جمله آمده! پس قطعاً مبتدأست و مبتدا هم که همیشه مرفوع است. «صَدَاقَةٌ» هم بعد از حرف جرّ «مِنْ» آمده! پس مجرور به حرف جر است.

۹- الف) بدون نگاه به راست و چپ به خیابان نزدیک نشوید. «لَا تَقْتَرِبُوا» فعل نهی است. ب) یکی از شیشه‌ها در آزمایشگاه شکست. «انْكَسَرَتْ» فعل ماضی از باب انفعال است. ج) تا الان به کربلا سفر نکرده‌ایم. «مَا سَأَفُنَا» فعل ماضی منفی است.

د) خوش اخلاقی را از پیامبر ﷺ یاد بگیر. «تَعَلَّمْ» فعل امر از باب تفعّل است.

ه) خداوند به تو نیکی کرده است. «قَدْ أَحْسَنَ» فعل ماضی نقلی از باب افعال است. و) معلم قواعد این درس را به دانش‌آموزان یاد خواهد داد. «سَوْفَ يَعْلَمُ» فعل مستقبل است.

۱۰- الف) اگر استخوان پوسیده‌ام را ببوی، بوی عشق را می‌یابی.

ب) هر کس آزموده را بیازماید، پشیمان می‌شود.

۱۱- الف) «أَمَارَةٌ» بر وزن «فَعَالَةٌ» ← اسم مبالغه

تجربیات «بی‌شک نفس بسیار فرمان‌دهنده به بدی است.»

ب) «مُتَهَاجِمَةٌ» چون اولش «مُ» و عین‌الفعلش «ج» دارد، اسم فاعل (از باب تفاعل) است.

تجربیات «این از هواپیماهای جنگی حمله‌کننده است.»

۱۲- الف) فَلَاةٌ = صَخْرَاءٌ: بیابان

ب) قُرْبٌ: نزدیکی ≠ بُعْدٌ: دوری

کلمه اضافی: رَكْبٌ: کاروان شتر یا اسب‌سواران

۱۳- مرغ مگس مرغ باران

شن‌ها دارکوب

واضح است که به جز «رِمَالٌ» بقیه کلمات، نام پرنده‌اند.

۱۴- سنجاب پرنده، پوششی ویژه مانند چتر دارد.

۱۵- نهنگ آبی بزرگ‌ترین موجود زنده به شمار می‌آید.

۱۶- گزینه «۲» «يَبْدَأُ بِ» یعنی «شروع می‌کند». ضمناً «نُقِرُّ» یعنی «نوک‌زدن». «طَعَامٌ» هم که مفرد است.

۱۷- «مَنْ يَسْجَلْ هَدْفًا يَدْهَبْ إِلَى النَّهَائِيَّةِ»: هر تیمی گلی به ثمر برساند، به دیدار پایانی راه پیدا می‌کند.

۱۸- الف) «تَزْرَعُوا» فعل شرط است. «ن»ش هم به همین خاطر حذف شده! بد نیست بدانید که «ما» ادات شرط است و «تَحْضُدُوا» جواب شرط.

تجربیات

ب) «حَصَدَ» فعل جواب شرط است اما چون ماضی است، ظاهرش تغییر نکرده! «زَرَعَ» فعل شرط و «مَنْ» هم ادات شرط است.

تجربیات «هر کس دشمنی بکارد، زبان درو می‌کند.»

۱۹- أنا مِنِ إِيْرَانٍ (أنا إِيْرَانِيَّةٌ) / اهل کجایی؟ من ایرانی‌ام.

نکته مهم این است که اگر در سؤال «أَنْتَ» باشد، در جواب از «أنا» استفاده می‌کنیم.

۲۰- الف) يَا بِنَاتُ رَجَاءٍ لَا تَتَكَلَّمْنَ فِي الصَّفِّ: ای دختران، لطفاً در کلاس حرف نزنید.

«بَنَاتٌ» جمع مؤنث است. پس «لَا تَتَكَلَّمُوا» که فعل مذکر است به دردمان نمی‌خورد. ناگفته پیداست که «لَا تَتَكَلَّمْنَ» فعل نهی است. یادتان هست که در جمع مؤنث «ن»

تحت هیچ شرایطی حذف نمی‌شد. پس «لَا تَتَكَلَّمْنَ» هم اشتباه است.

ب) الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ فِي سَاحَةِ الْبَيْتِ: کودکان در حیاط خانه، بازی می‌کنند.

«الْأَطْفَالُ» جمع است، پس «يَلْعَبَانِ» که مثناست، به کارمان نمی‌آید. چون جمله دارد درباره «الْأَطْفَالِ» صحبت می‌کند، «تَلْعَبُونَ: بازی می‌کنید» که مخاطب است هم به کارمان نمی‌آید.

ج) به به! «أحمد» که اتفاقاً نام یکی از دوستانم است، مذکر است. پس «تُشَاهِدِينِ» که فعل مؤنث است می‌رود پی سرنوشتش! وقتی به صورت سؤال خوب دقت کنیم، یک «ي» می‌بینیم که قطعاً مفعول است. در سال دهم یاد گرفتیم که اگر فعل متعدی بخواهد به ضمیر مفعولی «ي» بچسبد، یک «ن» به اسم «نون و قایه» باید بینشان بیاید. پس: «يَا أَحْمَدُ، أَلَا تُشَاهِدُنِي أَمَامَ الْمُشَجَّرِ؟: ای احمد، آیا من را مقابل مغازه نمی‌بینی؟»

۲۱- می‌تواند در یک پرسش، بیشتر از صد و پنجاه قدم پرواز کند.

۲۲- «عَطْرًا» در ابتدای عبارت با تنوین آمده که نکره است. بعدش که تکرار شده با «ال» آمده که معرفه است. به ترجمه عبارت دقت کنید: «عطری خوش‌بو را در بازار دیدم و آن عطر را خریدم.» العَاقِلُ بِالْإِشَارَةِ!

۲۳- نمی‌توانیم زبانی را بدون واژگان وارد شده بیابیم.

۲۴- فیروزآبادی واژه‌نامه‌ای مشهور به نام القاموس دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی در بر می‌گیرد.

نکته مهم این عبارت «لِ + اسم: داشتن» است!

۲۵- الف) عَمَوَةٌ / ستون دین، نماز است.

ب) أَوْسَطُ / بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌هاست.

ج) عَدُوٌّ / یک دشمن هم نگیر که یکی هم زیاد است.

د) نَسِيحٌ / این عضو، بافتی بین جمجمه دارکوب و منقارش است.

ه) تَعَاذَلَا / این دو تیم، دو هفته پیش به تساوی رسیدند.

و) فُرْقَانًا / اگر تقوای خدا پیشه کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل را قرار می‌دهد. کلمات اضافی: أَفْضَلُ: بهتر، صَدُوقًا: بسیار راستگو

۲۶- الف) درست / زیبایی انسان، شیوایی زبانش است.

ب) نادرست / حکمت در دل انسان متکبر زورمند، ماندگار می‌شود. درستش این بود که می‌گفت «لَا تَعْمُرْ: ماندگار نمی‌شود».

ج) درست / هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد.

د) نادرست / مغازه جای آرامی برای مطالعه است. این تعریف مربوط به واژه «الْمَكْتَبَةُ: کتابخانه» است.

ه) درست / نان از خمیر درست می‌شود.

و) درست / بال، عضوی است که پرنده با آن پرواز می‌کند.



- ۸- الف) چرا از خانه تان خارج نمی‌شوید؟ («لَا تَخْرُجُونَ» فعل مضارع منفی است.)
 ب) ای عزیزانم، از معلّمتان سپاس‌گزاری کنید. («أَشْكُرُوا» فعل امر است.)
 ج) آن‌ها از کار برگشتند. («مَا رَجَعُوا» فعل ماضی منفی است.)
 د) من به عراق سفر خواهم کرد. («سَوْفَ أَسَافِرُ» فعل مستقبل است.)
 ۹- الف) شما از این کار سود خواهید برد. («سَتَنْتَفِعُونَ» فعل مستقبل است.)
 ب) ای دوست من، لطفاً به حرفم گوش بده. («اسْمَعْ» فعل امر است.)
 ۱۰- الف) «خَيْرٌ» اسم تفضیل است.

ترجمه‌ها: «شب قدر از هزار شب بهتر است.»

ب) «المُحْسِنِينَ» اسم فاعل از باب إفعال است. اولش «هـ» دارد و عین‌الفعلش «ی» گرفته!

ترجمه‌ها: «ای کسی که نیکوکاران را دوست داری.»

ج) «مَكْتَبَةٌ» بر وزن «مَفْعَلَةٌ» اسم مکان است.

ترجمه‌ها: «کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان است.»

د) «صَبَّارٌ» بر وزن «فَعَّالٌ» اسم مبالغه است.

ترجمه‌ها: «دوستی دارم که بسیار صبور است.»

۱۱- اول تکلیف ترجمه صحیح را مشخص کنیم. گزینه (۱) صحیح است. خُب حالا چرا؟
 «مَنْ» یعنی «هر کس» و «يُحَاوِلُ» که فعل شرط است باید به صورت التزامی ترجمه شود.
 «يَصِلُ» هم فعل جواب شرط است.

۱۲- امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. («قَدْ رَأَيْتُهُ» جمله وصفیه است و چون بعد از فعل ماضی آمده به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود.)

۱۳- الف) (هرگز) به نیکی نخواهید رسید تا از آن چه دوست دارید، انفاق کنید. («لَنْ») باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود. ضمناً «لَنْ» + «فعل مضارع» معادل مستقبل منفی است.
 ب) می‌خواهند که سخن خدا را تغییر دهند. («أَنْ» باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود. ضمناً خودش به صورت «که» و فعل مضارع بعدش به صورت التزامی ترجمه می‌شود.)

۱۴- الف) مؤمنان فقط باید بر خداوند توکل کنند. («لِ» در این آیه لام امر است. چون قبلش «فَ» آمده ساکن شده. خودش هم که به صورت «باید» ترجمه می‌شود.)

ب) اعراب بادیه‌نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاوردید. («لَمْ + فعل مضارع» معادل ماضی ساده یا نقلی منفی است. راستی راستی! «لَمْ» باعث شده «ن» آخر فعل حذف شود.)

۱۵- الف) سعید به دوستش کمک کرده بود. («كَانَ» + «فعل ماضی»: ماضی بعید)
 ب) سعید به دوستش کمک می‌کرد. («كَانَ» + «فعل مضارع»: ماضی استمراری)

۱۶- «قَوَاعِدُ» به «الدَّرْسِ» اضافه شده و کسره «ی» گرفته! پس «الدَّرْسِ» مضاف‌الیه است و مجرور. «الْوَلُوحُ» هم بعد از حرف جر «عَلَى» آمده پس مجرور به حرف جر است.

۱۷- الف) مِثَالٌ / در زبان عربی صدها واژه عربی شده دارای ریشه فارسی هست.
 ب) المِظَلَّةُ / از چتر مقابل پرتوهای خورشید یا بارش باران و برف استفاده می‌کنم.

ج) الدَّوَابُّ / کاروان اسب‌سواران یا شترسواران گروهی از مسافران هستند که با چارپایان مسافرت می‌کنند.

د) السَّرِيرُ / ملحفه، قطعه پارچه‌ای است که روی تخت گذاشته می‌شود.

ه) حَظْرَةٌ / شاخه‌های درختان در زمستان تر و تازه و سرسبز است.

و) ظلام / صبحگاه شروع روز و پایان تاریکی شب است.

کلمات اضافی: جوع: گرسنگی، الخائب: ناامید

۱۸- الف) درست / گچ نوشتار، چیز سفید یا رنگی است که با آن روی تخته سیاه نوشته می‌شود.
 ب) درست / لال کسی است که نمی‌تواند حرف بزند و مؤنثش «بُكْمَاء» است.

ج) نادرست / ناشنوا کسی است که نمی‌تواند ببیند و مؤنثش «صَمَاء» است. (این تعریف مربوط به واژه «الأعمى: نابینا» است.)

د) نادرست / در تیم پینگ‌پنگ یازده بازیکن بازی می‌کنند. (در تیم «كرة القدم: فوتبال» یازده بازیکن بازی می‌کنند.)

ه) درست / بالاترین حرارت بدن از نشانه‌های بیماری است.

و) نادرست / اروپا بزرگ‌ترین قاره در جهان است. (حتماً می‌دانید که آسیا بزرگ‌ترین قاره جهان است.)

۱۹- بالسَّيْفِ / در دریا با چه چیزی سفر می‌کنی؟ با کشتی.

۲۰- ما يَلِكُ؟ أشعُرُ يَأَلَمُ في صَدْرِي: تو را چه می‌شود؟ در سینه‌ام احساس درد می‌کنم.

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و بین هیچ‌کدام از آن‌ها فرق نگذاشتند، **مزدپاشان** را (خدا) به آن‌ها خواهد داد.

۲- الف) الیسار = الشّمال: چپ

ب) الأَسْفَل: پایین تر من الأَعْلَى: بالاتر

کلمات اضافی: العداوة: دشمنی، الأُخیاء: زندگان، الإیتعاد: دور شدن

۳- الف) أصحاب صحاب (دوست)

ب) مَعْصِيَةٌ معاصی (گناهان)

۴- الف) زبان

روزه

صورت

چشم

ب) به زبان آورد

حکایت کرد

بزرگ شد

سخن گفت

۵- الف) آیا ندانسته‌اند که خداوند همان است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد؟

ب) حکایت می‌شود که مردی پرگناه بود و از کارهایش پشیمان شد و تلاش کرد که آن‌ها را اصلاح کند.

ج) به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود و از قلبی که فروتنی نکند و از دانشی که سود نرساند. («لَا تَشِيْعُ»، «لَا يَخْشَعُ» و «لَا يَنْقَعُ» جمله وصفیه‌اند.)

د) استاد آذربیدی در بیست سالگی‌اش کارگری ساده بود. سپس کتاب‌فروش شد و در زندگی‌اش (هرگز) به مدرسه نرفت.

ه) به عزیزی که خوار شده، به توانگری که فقیر شده و دانشمندی که بین نادانان تباه شده، رحم کنید.

۶- الف) گزینه «۲» «أفواه» جمع است، «أَعْلَمُ» اسم تفضیل است و «يَكْتُمُونَ» در گزینه (۱) اشتباه ترجمه شده!

ب) گزینه «۲» «أهل» به معنای «خانواده» است. ضمناً «كَانَ يَأْمُرُ» معادل ماضی استمراری است.

۷- الف) هر کس بخواد قوی‌ترین مردم باشد، پس بر خداوند باید توکل کند.

ب) روزی که آدمی آن‌چه را که با دستانش پیش فرستاده است می‌نگردد و کافر می‌گوید: **ای کاش من خاک بودم.**
 ج) پدرم سرور مردمش بود، اسیر را آزاد می‌کرد و همسایه را حفظ می‌کرد.

درس نامه توپ برای شب امتحان

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: مَوَاعِظُ قَبِيحَةٌ

اسم تفضیل واسم مکان

اسم تفضیل

به مثال های زیر دقت کنید:

1- هَذَا أَكْبَرُ مَنَزَلٍ فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ: این بزرگترین خانه در این روستا است.

2- هَذَا الْكِتَابُ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ: این کتاب از آن (یکی) بهتر است.

به کلماتی مانند «أَكْبَرُ» و «أَفْضَلُ» در عربی اسم تفضیل می گوئیم. این اسم در عربی بر وزن «أَفْعَلُ» می آید. اسم تفضیل معنا و مفهوم برتری را می رساند و معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است.

یک مثال دیگر از اسم تفضیل ببینیم و بعد به نکاتش بپردازیم:

لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ: در ترازوی اعمال چیزی سنگین تر از اخلاق خوب نیست.

کلمات

1- اسم تفضیل گاهی تغییر قیافه می دهد و شما آن را به صورت «أَفْعَى» و «أَفْعَلٌ» هم می بینید.

2- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ: دوست داشتنی ترین بندگان خداوند، کسی است که به مردم سود برساند.

هَذَا السَّرْوَالُ أَغْلَى مِنْ بَقِيَّةِ السَّرَاوِيلِ: این شلوار از بقیه شلوارها، گران تر است.

3- مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می آید.

4- جَلَسَتْ الْأُخْتُ الْكُبْرَى عِنْدَ الْأُخْتِ الصَّغْرَى: خواهر بزرگتر نزد خواهر کوچکتر نشست.

اما و اما. به مثال زیر دقت کنید:

5- آيِدَا أَصْغَرُ مِنْ فَاطِمَةَ: آیدا از فاطمه کوچکتر است.

فکر می کنم خودتان متوجه این نکته مهم شدید که برای مقایسه بین دو اسم مؤنث از اسم تفضیل مذکر (بر وزن «أَفْعَلُ») استفاده می کنیم. اسم تفضیل فقط وقتی بر وزن «فَعْلَى» می آید که صفت اسم مؤنث شود، مثل همان مثال اولی!

6- جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِلُ» می آید.

7- إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ: هنگامی که فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می شوند. («الأرادل» جمع «الأردل» و «الأفاضل» جمع «الأفضل» است.)

8- خُب! حالا یک نکته مهم! از سال هفتم تا الان، حتماً دو کلمه «خَيْرٌ: خوبی» و «شَرٌّ: بدی» را در کتاب هایتان خیلی دیده اید. این دو اسم هم، می توانند اسم تفضیل باشند. البته به دو شرط:

1- بعد از آن ها «مِنْ» بیاید.

9- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ: شب قدر از هزار ماه، بهتر است.

2- مضاف شوند؛ یعنی بعد از آن ها مضاف الیه بیاید.

10- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ: بدترین مردم، مردمان دورو هستند.

مضاف مضاف الیه

از هر کدام دوباره یک مثال ببینید لطفاً:

مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ:

هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از چهارپایان هم بدتر است.

خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عَيْبَتَكُمْ:

مضاف مضاف الیه

بهترین برادرانتان کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه کند.

فَرْسٌ تَرْجَمُهُ

حتماً تا حالا متوجه شده اید که در ترجمه اسم تفضیل از «تر، ترین» استفاده می کنیم. حالا ببینیم کی از «تر» و کی از «ترین» استفاده می کنیم:

1- «تر»: اگر بعد از اسم تفضیل «مِنْ» بیاید، در ترجمه آن از «تر» کمک می گیریم.

2- مثال: الطَّائِرَةُ أَسْرَعُ مِنَ السَّيَّارَةِ: هواپیما از ماشین، سریع تر است.

راستی راستی! اسم تفضیل اگر صفت هم شود، در ترجمه اش، سر و کله «تر» پیدا می شود.

3- مثال: الْوَالِدُ الْأَكْبَرُ: پسر بزرگتر

موصوف صفات

4- الْبِنْتُ الصَّغْرَى: دختر کوچکتر

موصوف صفات

5- «ترین»: اگر اسم تفضیل مضاف شود، در ترجمه اش از «ترین» کمک می گیریم.

6- مثال: أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

اسم تفضیل مضاف الیه

(مضاف)

داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش خود، بیفزاید.

اسم مکان

از اسمش پیداست که بر مکان دلالت می کند. این اسم در عربی بیشتر بر وزن «مَفْعَلٌ» و گاهی بر وزن «مَفْعَلَةٌ» و «مَفْعَلَةٌ» می آید.

7- مثال: أَخِي الْأَصْغَرُ يَعْمَلُ فِي مَصْنَعِ الْكِرَاسِيِّ: برادر کوچکترم در کارخانه صندلی کار می کند.

8- ذَلِكَ مَنَزِلُ صَدِيقِي: آن خانه دوستم است.

9- هُنَاكَ مَكْتَبَةٌ كَبِيرَةٌ قُرْبَ بَيْتِنَا: کتابخانه بزرگی نزدیک خانه ما هست.

10- دوستان خوب! حواستان را جمع کنید. وزن «مَفْعَلَةٌ» همیشه برای مکان به کار می رود، ولی «مَفْعَلٌ» و «مَفْعَلَةٌ» بین مکان و زمان مشترک اند. فقط در جمله می توانیم بفهمیم برای مکان به کار رفته اند یا زمان.

11- مثال: الزَّوَارُ يُذْهِبُونَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ فِي مَوْسِمِ الْحَجِّ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعَلٌ»

زائران در فصل (موسم) حج به مکه مکرمه می روند.

12- إِنَّ الْمَرْأَةَ تَزُكُّ مِنَ الْمَخْمَلِ: زن از کجاوه پایین آمد.

اسم مکان بر وزن «مَفْعَلٌ»

13- مَبْدَأُ الْعَامِ الْهَجْرِيِّ هُوَ الشَّهْرُ الْمُحَرَّمُ:

اسم زمان بر وزن «مَفْعَلٌ»

زمان شروع سال هجری، ماه محرم است.

14- أُمِّي مَشْغُولَةٌ بِطَبْخِ الطَّعَامِ فِي الْمَطْبَخِ.

اسم مکان بر وزن «مَفْعَلٌ»

مادرم در آشپزخانه مشغول پختن غذاست.

15- جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِلُ» می آید.

16- مثال: «مَطَابِعُ» جمع «مَطْبَعَةٌ»: چاپخانه، «مَطَاعِمُ» جمع «مَطْعَمٌ»: رستوران، «مَدَارِسُ»

جمع «مَدْرَسَةٌ»: مدرسه، «مَنَازِلُ» جمع «مَنْزِلٌ»: خانه

کلمات و عبارات مهم درس

فعلها

أَغْضَضُ مِنْ صَوْتِكَ: صدایت را پایین بیاور
تَعَمَّرُ: عمر می کند، ماندگار می شود
أَفْضَدُ: میانه روی کن
لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ: با تکبر رویت را برنگردان



مَنْ سَاءَ حُلْفُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ؛ هر کس اخلاقش بد شود، خودش را عذاب می‌دهد.
 إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من فقط برای کامل کردن بزرگواری‌های اخلاق مبعوث
 شدم. (من فقط مبعوث شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم)
 حَسَنَتٌ: نیکو گردانیدی
 المیزان: ترازوی اعمال
 ما یلی: آن چه می‌آید
 ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛ خداوند کسی را جز به اندازه توانش، تکلیف نمی‌کند.
 مَیْرٌ: جدا و سوا کن
 أَن یَسْبَ: که دشنام دهد
 مَهْلًا: آرام باش
 دَعَا شَیْطَانَهُ مَهَانًا تُرِضَ الرَّحْمَنَ وَ تُسَخِّطُ الشَّیْطَانَ وَ تُعَاقِبُ عَدُوَّكَ؛ دشنام گوی خود را خوارها
 کن تا (خدا) بخشایند و اهریمن را خشنود و اهریمن را خشمگین کنی و دشمنت را کبفر داده باشی.
 مَا أَرْضَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْجَلْمِ؛ مؤمن پروردگارش را با (خیر) مانند بردباری خشنود نکرد.
 وَ لَا أَسْخَطَ الشَّیْطَانَ بِمِثْلِ الصَّمْتِ؛ و اهریمن را با (خیر) همانند خاموشی خشمگین نکرد.
 وَ لَا عَوِقَبَ الْأَحْمَقِ بِمِثْلِ السَّكُوتِ عَنَّهُ؛ و نادان با (خیر) همانند دم فرو بستن در برابرش
 کبفر نشد.

جدول اسم تفضیل	
اسم تفضیل	صفت مفعولی
أَحْسَنُ: نیکوتر، نیکوترین	حَسَنٌ: نیکو
أَنْكَرُ: زشت‌تر، زشت‌ترین	—
أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین	كَبِيرٌ: بزرگ
أَعْلَى: بلندتر، بلندترین	عَالِيٌ: عالی، بلند
أَنْفَعُ: سودمندتر، سودمندترین	نَافِعٌ: سودمند
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین	غَالِيٌ: گران
أَقْلٌ: کم‌تر، کم‌ترین	قَلِيلٌ: کم
أَكْثَرُ: بیشتر، بیشترین	كَثِيرٌ: بسیار
أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین	مَحْبُوبٌ: محبوب
أَعْلَمُ: داناتر، داناترین	عَلِيمٌ: دانای
أَفْضَلُ: بهتر، بهترین	—
خَيْرٌ: بهتر، بهترین	خَيْرٌ: خوب
شَرٌّ: بدتر، بدترین	شَرٌّ: بد
أَرْحَمُ: مهربان‌تر، مهربان‌ترین	رَحِيمٌ: مهربان
أَوْسَطُ: میانه‌ترین	—
أَثْقَلُ: سنگین‌تر، سنگین‌ترین	ثَقِيلٌ: سنگین
أَرْحَضُ: ارزان‌تر، ارزان‌ترین	رَخِيسٌ: ارزان

جدول اسم مکان	
اسم مکان	ریشه
مَلْعَبٌ: ورزشگاه	لَعِبٌ: بازی
مَطْعَمٌ: رستوران	طَعَامٌ: غذا
مَصْنَعٌ: کارخانه	صَنَّعٌ: ساختن
مَطْبِخٌ: آشپزخانه	طَبَخٌ: پختن
مَحْمِلٌ: کجاوه	حَمَلَ: بردن
مَنْزِلٌ: خانه	نَزَلَ: اقامت
مَكْتَبَةٌ: کتابخانه	كَتَبَ: نوشتن
مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	طَبَعَ: چاپ کردن
مَدْرَسَةٌ: مدرسه	دَرَسَ: تحصیل
مَشْجَرٌ: مغازه	تِجَارَةٌ: دادوستد

أَقِيمْ: بر پای دار
 إِنَّهُ: بازدار
 أَوْمُرٌ: دستور بده
 لَا تَمَسُّ: راه نرو
 لِيَهْتَدِيَ: تا راهنمایی شود
 يَقْدَمُ: تقدیم می‌کند، پیش می‌فرستد

سازگرمی و عبارات

جَبَّارٌ: ستمکار زورمند «صفت خدا به معنای توانمند»
 إِذْنٌ: بنا بر این
 حَمِيرٌ: خرها
 تَرْبُوعٌ: پرورشی
 مَرَحًا: شادمانه و با ناز و خودپسندی
 تَمَوَّجٌ: نمونه
 أَنْكَرٌ: زشت‌تر، زشت‌ترین
 قِيمٌ: ارزشمند
 مُعْجَبٌ: بِنَفْسِهِ: خودپسند
 إِسْتِهْلَاكٌ: مصرف کردن
 فُنُونٌ: هنرها
 مُخْتَالٌ: خودپسند
 نَاهِيٌ: نای؛ بازدارنده

متن درس

أَحْسَنُ حَالٍ: بهترین حال
 الْفُنُونُ النَّافِعَةُ: هنرهای سودمند
 الْإِيتِعَادُ عَنِ الْأَرَاذِلِ وَ التَّقَرُّبُ إِلَى الْأَفْضَالِ: دوری از فرومایگان و نزدیک شدن به شایستگان
 الْاِئْتِصَادُ فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ وَ الْكُهْرِبَاءِ: صرفه جویی در مصرف آب و برق
 يَقْدَمُ لِأَنَّهُ مَوَاعِظٌ قِيَمَةٌ: به پرسش، پندهای ارزشمندی تقدیم می‌کند.
 هَذَا تَمَوَّجٌ تَرْبُوعِيٌّ لِيَهْتَدِيَ بِهِ كُلُّ الشَّبَابِ: این یک نمونه پرورشی است تا همه جوانان با
 آن هدایت شوند.
 ﴿يَا بَنِي آدَمِ الصَّلَاةَ وَ أُمُرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ
 عَزْمِ الْأُمُورِ﴾: ای پسرکم، نماز را بر پای دار و به کار خوب دستور بده و از کار زشت
 بازدار و بر آن چه به تو رسیده است، صبر پیشه کن که آن از کارهای مهم است.
 ﴿وَ لَا تَصْعُرْ حَذَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾:
 رویت را با تکبر از مردم برگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو که خداوند هیچ
 خودپسند خودشیفته‌ای را دوست ندارد.
 ﴿وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾: در راه رفتنت،
 میانه‌رو باش (نه تند برو و نه آهسته) و از صدایت بکاه؛ زیرا زشت‌ترین صداها، بی‌گمان
 صدای خران است.
 نَاهِيٌّ عَنِ الْمُنْكَرِ: بازدارنده از کار زشت
 الْحِكْمَةُ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ وَ لَا تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَكَبِّرِ الْجَبَّارِ: حکمت در دل فروتن
 ماندگار می‌شود و در دل خودپسند ستمکار زورمند، ماندگار نمی‌شود.
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُعْجَبٍ بِنَفْسِهِ إِذْنٌ عَلَيْنَا أَنْ لَا تَتَكَبَّرَ عَلَيَّ الْآخَرِينَ: بی‌شک خداوند هیچ
 خودپسندی را دوست ندارد؛ بنا بر این نباید نسبت به دیگران تکبر ورزیم.
 شَبَّهَ اللَّهُ كَلَامَ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مُنْطَقِيٍّ بِصَوْتِ الْجِمَارِ: خداوند، سخن کسی را که
 صدایش را بدون دلیلی منطقی بالا ببرد، به صدای خر تشبیه کرده است.

کلمات حواری (گفت و گو)

سِعْرٌ: قیمت
 أَرْحَصُ: ارزان‌تر
 التَّوَعِيَّةُ: جنس، کیفیت
 تَخْفِيفٌ: تخفیف
 سِتْوَانُ أَلْفٍ: شصت هزار
 غَالِيَةٌ: گران
 زَمِيلٌ: همکار
 مَشْجَرٌ: مغازه

کلمات و عبارات تمارین

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: داناترین مردم، کسی است که دانش مردم را
 به دانش خودش اضافه کند.
 أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْتَعَمُهُمْ لِعِبَادِهِ: دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا نزد خداوند،
 سودمندترینشان برای بندگانش است.
 شَرُّ النَّاسِ: بدترین مردم (شَرٌّ: اسم تفضیل)
 ﴿وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾: آخرت، بهتر و ماندگارتر است.
 خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ: بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را
 به شما هدیه کند.
 مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ: هر کس شهوتش بر عقلش چیره شود، از
 چهارپایان هم بدتر است.
 ﴿جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾: با روشی که نیکوتر است،
 با آن‌ها ستیز کن که پروردگارت به (حال) کسی که از راهش گمراه شده، آگاه‌تر است.



جدول مترادف			
تَقَرَّبَ	إِقْتَرَابَ	مُخْتَالَ	مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ
نزدیک شدن	نزدیک شدن	خودپسند	خودپسند
أَنْكَرَ	أَفْضَحَ	أَفْضَلَ	خَيْرَ
زشت تر، زشت ترین	زشت تر، زشت ترین	بهتر، بهترین	بهتر، بهترین

جدول متضاد			
أَرَادِلَ	أَفَاضِلَ	صَلَّ	إِهْتَدَى
فرومایگان	شایستگان	گمراه شد	هدایت شد
مُنْكَرَ	مَعْرُوفَ	فَخْرَ فَرُوشَ	مُتَوَاضِعَ
کار زشت	کار خوب	فخر فروش	فروتن
مُعْجَبٌ بِنَفْسِهِ	مُتَوَاضِعَ	مُخْتَالَ	مُتَوَاضِعَ
خودپسند	فروتن	خودپسند	فروتن
أَنْكَرَ	أَجْمَلَ	نَاهِي	أَمَرَ
زشت تر	زیباتر	بازدارنده	دستور دهنده
إِنَّهٗ	أَوْمَرُ	أَكْبَرَ	أَصْغَرَ
بازدار	دستور بده	بزرگ تر، بزرگ ترین	کوچک تر، کوچک ترین
أَكْثَرَ	أَقَلَّ	أَرْخَصَ	أَعْلَى
بیشتر، بیشترین	کم تر، کم ترین	ارزان تر، ارزان ترین	گران، گران ترین
خَيْرَ	شَرَّ	إِيتِعَادَ	تَقَرَّبَ
خوب، خوبی، بهتر، بهترین	بد، بدی، بدتر، بدترین	دور شدن	نزدیک شدن
سَاءَ	حَسَنَ	عَدَاوَةَ	صَدَاقَةَ
بد شد	نیکو شد	دشمنی کردن	دوستی

جدول جمع مکسر		
جمع	مفرد	ترجمه
آباء	أب	پدر
فُنُون	فَنّ	هنر
أَرَادِلَ	أُرْدَل	فرومایه
أَفَاضِلَ	أَفْضَل	شایسته
مَوَاعِظَ	مَوْعِظَةٌ	پند
زُمَّلَاءَ	زَمِيل	همکار
جِيرَان	جَار	همسایه
أَقْرِبَاءَ	قَرِيب	خویشاوند
حِمَار	حَمِير	خر
نُهَاءَ	نَاهِي	بازدارنده
تَمَازِجَ	تَمَوِّذَج	نمونه
بِهَائِمَ	بَهِيمَةٌ	چهارپا
إِخْوَانَ	أَخ	برادر، دوست
مَدَارِسَ	مَدْرَسَةٌ	مدرسه
مَلَاعِبَ	مَلْعَب	ورزشگاه
مَطَاعِمَ	مَطْعَم	رستوران
مَنَازِلَ	مَنْزِل	خانه
أَشْعَارَ	سِعْر	قیمت
سِرَاوِيلَ	سِرْوَال	شلوار